

بخت تاریخی افغانستان

فصل دهم

ترجمه محترم محمد صدیق خان طرزی

پنجمین شماره ۷ سال ۵

یک دوره طولانی ۱۲ قرن (۲م-۱۰م) در تاریخ ایران شرقی یک وضعیت غیر منتظم مشاهده می‌رسد. اثرات تاریخی که به این قرون تعلق می‌گیرد و تنها در تحریرات چینی‌ها اجمالاً دیده می‌توانیم، راجع باین زمانها تاریخ دانان معلومات غیر قناعت بخشی برآیندادده اند.

چه بعد از سلطنت باکتریه از اختلافات داخلی ضعیف شده جنگجویان و متصرفین در هند بعید به یک بحران دچار گردیده و در عین زمان از طرف غرب پارتها و از طرف شرق اقوام کوچی باکتریه حمله کرده باکتریه را بمشکلات دچار ساخته بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پارتها در زمان سلطنت (مهرداد اول) (سنه ۱۳۸ - ۱۷۱) از باکتریه دو ولایت بزرگ که (آسیای اونا و توای) میباشد متصرف شده بودند محتمل است این ولایات داخل (آریه) بود. بهمین وقت بود که در آسیای وسطی پیشرفت بزرگ اقوام کوچی از شرق بغرب معمولاً شروع شده بود. اقوام کوچی یعنی ساکی (زبان چینی-سو و زبان هندی ساکس) در بین نهر چو و نکسیرت در سالهای ۱۳۳ - ۱۴۰ بالای حکومت (گریک باکتریه) حمله ور گردیده آنرا متصرف

میشوند درین اثناء يك قوم بزرگ دیگر که بنام (بوای - چژی ویا بوای - شی) یاد میشود برای پیشرفت حرکت کرده اولاً سفدانیه بعد از آن با کتیه را متصرف گردیده بودند. این اقوام کوچی به نام های مختلف در بین تاریخ دانان یاد گردیده و نامهای آن ها را قرار آتی میتوان ذکر نمود؛ کوشانی، توهاری و بوای - چژی درلسان یونانی آنرا آسی آتی و یاس میخوانند. ازین جا معلوم میشود که اقوام توهاری نیز درین اقوام شامل بوده و ذکر از آن برده شده باشد و بلکه این اقوام از حیث و وضعیت سیاسی بنام کوشان و یا کوشا یاد میشدند راجع به این فضا یا چیزیکه ما را قانع ساخته اینست که نظر به معلومات و تخریرات بودائی (که در حدود ختن بالای اشیاء تاریخی تخریر یافته است) وقتی در حدود ختن قومیکه بنام توهاری (۱) یاد میگرددند و از اقوام کوچی آریینی (۲) زندگی میکردند حتی این تصرفات بدرجه اهمیت داشت که در دوره تسلط اسلام از حدود بلخ تا حدود دریای آمو بنام تخارستان موسوم بود.

از نقطه نظر تاریخی ولایات باکتیه و سفدانیه خیلی با اهمیت بود. چنانچه یکی از سیاحین مشهور چینی (جزایر سیسیان) در ختنان تحت نامه خود مینویسد که چون در سنوات ۲۰ قرن دوم میلادی از طرف چین به غرب سیاحت می نمودم درین و اطراف اقوام ده نشین اقوام کوچی را بهر طرف مشاهده نمودم اقوام ساکی را اقوام تخاری بطرف غرب منتشر نمودند اقوام تخاری (مارگی آن)

(۱) چندی ازین اقوام یعنی بوای - چژی بعد از تعقیب اقوام کوچی در وسط قرن دوم قبل میلادی حیات بسر می بردند.

(۲) به کتاب تاریخ ترکستان صجفة ۵ و ۶ مولفهٔ بار تلد مراجعت شود.

را متصرف گردیده. با اقوامیکه در پارتهازندگانی میکردند متصادف شدند. در مرحله اول اقوام تخاری در تحت اداره دست شانده (مهر داد اول) که (فر هاد دوم) نام داشت ساکی هارا شکست داد. تابع خود ساخت و در مرحله دوم که (فر هاد دوم) با (انتوایخ) به محاربه شروع نمود اقوام ساکی جدیداً در سنوات ۱۲۸ - ۱۲۹ میلادی بر ضد آن انقلاب نمود. به او صدمه سخت وارد کرده بودند بعد از این ساکی ها پارافیان (پارتها) را گذاشته بطرف جنوب حمله ور گردیده يك منطقه بزرگ و یاسر کز (دارنگی آن سیستان) را متصرف شدند بعد از این تاریخ همین موضع بنام مملکت ساکی هایعنی ساکیستان موسوم گردید (و بهلسان یونانی این مملکت بنام ساکستین شناخته شده فعلاً بنام سیستان یاد میشود)

ساکی ها نه تنها مناطق اراهو زی و کابلستان را متصرف شده بودند بلکه داخل هندوستان گردیده متصرفات خود را در پنجاب و کته خروار و غیره قایم نموده بودند.

حکومت ساکی مثل دیگر حکومت کوچی ها چندان طول العمر نبوده بعد از مدت کم تمام زمین های متصرفه شان از طرف (پارافیان) اشغال گردید. پارافیان بعد از يك مدت کم آریه و اراهو زی را متصرف گردیدند. با سرحدات هند و ستان تاریسی دور و هراکسی در تماس شدند (۱) مولفین راجع به شرق ایران چنین معلومات میدهند که از حصص شرق ایران مملکت (ارساکید) ولایت های ذیل داخل بود.

مارگی آن، آریه، آناپون، دارنگی آن. ساکیستان و اورا هو زی در تحریرات

(۱) نویسندگان قرن اول میلادی راجع به این محاررات کتاب مینشتر پارتیکبا را تحریر نموده افسوس که امروز ازان چیزی باقی نمانده است.

پارافیان ها بنام هندوستان سفید یاد میشد . حسب تحریرات مورخین تمام آن ولایت داخل خاک پارافیان بود . اما از تحریرات هندی ها معلوم میگردد که پارافیانها تا حدود مرکزی هندوستان تسلط داشته در آن مملکت هند و پارافیانرا تشکیل نموده بودند و این مملکت هند پارافیان آنوقت بنام (پهله واس ویا پلاواس یاد میگردد .

یکی از سلاطین هندوفارس در سنوات ۱۲۱ میلادی سعی بلیغ نموده فارس را با هندوستان وصل کرده بود و از طریق (قومی) بر هند توصل پیدا کرده و مملکت تاریخی قدیمی ایلی نیستیکی و ساکهارا باهم یکجا نموده یک مملکت مینامد را بمیان آورده بهتر ترقی آنها در پنجاب و سنده بسالهای اول میلادی بود .

افتتاح راه مستقیم چین از طریق آسیای وسطی که در قرن دوم قبل میلاد صورت گرفت برای پیشرفت حکومت پارافیان هیچ یک خدمت شاندار و مفیدی ازان متصور نشد . اگر چه این راه فوق زود باز شده بود اما بصورت حقیقی آنرا (چزان - سیان) در سنوات ۱۲۶ قبل از میلاد افتتاح نموده ممکن است که سیاح مذکور از دره (تاریم) به سفدانبه و بعد ازان از طریق کابل به هند و ستان سفر نموده باشد افتتاح این راه برای چینیها چین موقع بندست داد که نباید آنرا برای مقصد تجارت بکار اندازند . (۱)

رسال جامع علوم انسانی

براستی اهمیت این راه بزرگ تجارتمی ظاهر گردید از چین تکههای ابریشمی و از غرب شیشه و بلور حمل و نقل شده حکومت پارافیان خواسته که از این راه استفاده خوبی نماید

(۱) سفر خود را چزان - سیان در مدت ۴ سال (سنه ۱۲۲ - ۱۲۶) تکمیل نموده انگور و تخم بنگدانه را به چین با خود برد ۸۵ سال قبل از میلاد توکن بطور مفصل راه بین چین و دره تاریم و از طریق کابل تا هندوستان تحریر کرده بود که چه چیزها در عرض راه دیده شده است ؟

(به کتاب تاریخ ، خان های کوچک ، مراجعت شود) . حکومت پارافیان در نظر گرفت که بر مملکت دا - سین (امپراطوریت روم) تکه های ابریشمی برساند ولی بهیچ صورت اجازه نداد که دا - سین ها از طریق سلطنت او رسماً به چین سفر بکنند .

حکومت پارافیان امتیاز فوق را در دست داشته راه تجارتي بزرگ را که از چین بفر ب و از چین به هندوستان امتداد داشت حفاظت کند مقصد عمده حکومت پارافیان این بود که در تحت این سیاست وضعیت استیلای دیگر ممالک را مانع شود .

در قرن اول میلادی بین اقوام بوای - جزی و یا کوشانی يك جنبش جدیدی محسوس شد . مملکت پارافیان را در تصرف خود آورده به هندوستان داخل شدند . در زمان (کادفیزیس دوم) و مخصوصاً در وقت (کانیشکی) در سنوات ۷۸-۱۲۰ کوشانی ها يك مملکت قوی تشکیل کرده پایتخت خود را به (پوروشاپور) که در شمال پشاور حالیه است نقل دادند حکومت کانیشکی از طرف شرق تا (بنارس) و از طرف جنوب تا (مالوی) امتداد داشته در ردیف سلطنت آن (نیپال) و کشمیر نیز داخل بود و همچنین از هندوستان تادریه (تاریم) و از جانب شرق تا قاشغر . یارقند و ختن داخل بود . بدین واسطه هندوستان و چین با هم در تماس بودند .

حکومت کانیشکی مطابق به حکومت آشوکوی یکی از حکومانی بشمار میرفت که مسلک بودائی را تعقیب میکردند و اینها معبد بزرگی را تاسیس نموده قانون (ماهایان) را نافذ ساختند . بدین وجه هزاران مومنان با شکوه بودائی تاسیس گردیده در حدود ولایت (گوندار) یعنی پشاور هزاران سمج های منقش بوجود آمد بالعموم این شاکاری ها بزمان (کانیشکی) صورت گرفت .

در مرحلهٔ اول چون حکومت کانشکی به بودیزم خیلی اهمیت داده امور مذهبی بودیزم مراعات میکرد لہذا در سکہ کانشکی شخصی به لباس سکھی پیش خراب با شعلهٔ آتش در دست ترسیم گردیده بود و تاریخ نویسان یونانی این حکومت را Shaoanoshao کنشکی کوشانو (شاهنشاه) Kanoshki Koshano میخواندند.

اما پس از مرگ پسر کانشکی که هو و یسکی نام داشت حکومت کوشانی نظر به بحران داخلی اقوام هندوستان بیک وضعیت سنگین صدمه دیده خراب گردید و برای حکومت (هوننا) کامیابی کامل حاصل شد چنانچه از آثار عتیقهٔ هندوستان معلوم میشود که سردارهای ملی آنها بر علیه اقوام بیگانه مثل ساکها، یوانها، پالووها مبارزه شدیدی نمودند. مظهر کامیابی شدند در قرن چهارم میلادی اقوام ساکی و یاکوشانی واپس به باکتریه و دیگر حصص ایران شرقی عودت نمودند در صورتیکه اقوام مذکور در سرحد هندوستان و درهٔ کابل توقف ورزیده بالاخره در قرن پنجم بیک مملکت شاهی ایرانی را اداره میکردند و این کلمه شاهی چنین تصویر میگردید Shahi. سیویان سن وقتیکه در قرن هفتم در کابل و بامیان و بلخ مشغول سیاحت بود حکومتهای کوچک هند و سکھی را دیدم که از جهت مذهبی در تحت نفوذ مذهب بودائی بوده و بیک بحران معدومیت از طرف سردارهای کوچک درین مملکت مشاهده رسید.

در حصهٔ چهارم قرن پنجم؛ در ایران شرقی اقوام جدید کوچی که موسوم به هونی - ایفالی تی و یا هتالیتی بودند عرض اندام نموده (ممکن آنها نیز ایرانی نژاد باشند) سفدایه و باکتریه و شمال غربی هندوستان را در سنوات ۴۶۵-۴۷۰ و بلکه از چین تا ایران را متصرف شده بابتخت آنها بدخشان بشمار میرفت. اقوام هتالیتی بطور عمومی در شمال

نهر اکسوس حیات بسر برده و با کتبه درین وقت بنام (نوکارا) و یا تخارستان نامیده میشد . هندوستان از طرف این اقوام متصرف گردیده آنها درین حصص به طریقه (شیواتی) اصرار حیات نموده بیک وضعیت روشن ، مذهب بودا را تعقیب مینمودند . در زمان سلطنت (میهی راگل) آثار عتیقه و معبد را ویران ساخته و بیک حکومت طویل العمر بشمار میرفت چرا که اقوام این سرزمین بعد از بیک مدت کوتاه کشیده شده بودند . باقی مانده اقوام (هتیایی) با اقوام پارایانی مخلوط گردیده تایلند اندازه بطور مستقل در را جپوتانه حیات بسر می بردند .

در قرن ششم و سنوات ۵۶۳-۵۶۷ میلادی حکومت ، هتیایی ها توسط فشار اقوام ساسانی ها و تورک ها سقوط نموده بعوض حکومت هتیایی هایک حکومت خیلی بزرگ تورکها تاسیس گردیده عموم ایران شرقی بغیر از شهر مرو داخل خاک آنها شد ساسانی ها حصص جنوبی خاک افغانستان را متصرف گردیده شاهان هند سکینی را اداره میکردند . درین وقت نظر به امنیت راه های تجارتنی (بنابر کنترول تورکها) تجارت خوب با چین شروع گردیده درین تجارت اقوام سیغدیانی رول مهم را بازی مینمودند سیوان سن مشهور در کتاب (معلومات ممالک) مغریه (Siyuki) تحریر میدارد که در تخارستان و حصص جنوبی دریای آمو تا ۲۷ حکومت کوچک وجود داشته از طرف تورکها اداره میگردد . مذهب عمومی درین حصص مذهب بودائی بوده مرکز آن شهر بلخ بشمار میرفت . از تحریر سیوان - سن معلوم میشود که قبل از تسلط تورکها این اقوام آتش پرست بودند ولی از روی دیگر منابع بخوبی ظاهر میگردد که در میان این اقوام طریقه مانه-تی (نیستی رو آئی) معمول بوده و گفته میتوانیم که تاثیرات چینی ها حدود کابل

(گا- او - فو) بالای این اقوام خیلی زیاد بود .
 کامیاب شدن اقوام عرب بالای ایرانی ها در زمان (نیها وندی) و سنوات ۶۴۲ يك
 تاریخ جدیدی را در حیات ایران شرقی افتتاح میکنند . در سنه ۶۶۶ میلادی زیاد بن
 ابوصوفیان اول به مملکت اعراب مازکی آن و خراسان را وبعد از ان هرات و مرو را
 که یکی از شهر های بزرگ مسلمانان آن زمان بود وصل و ضم نمود . در زمان خلافت
 معاویه شهر بلخ (که مادر شهر های این ولایت گفته میشد) بعد از يك زد و خورد
 فوق العاده شدید و مقاومت زیاد بخرا بی کامل قدم گذاشته و بالاخره بلکه بتصرف
 اعراب آمد . در این اوقات حکومت تور کهای کوچی سقوط نمود در سنه ۷۵۱ که
 کامیابی کامل بر چینی ها در دره (تالاس) صورت مسگیرد پیشرفت چینی ها را
 در این حصص خاتمه میدهد تنها دره کابل باقی ماند که با وجود جدو جهد زیاد اعراب
 تا دیر بعد در تحت اداره نیامده بود چونکه حکومت محلی آن حصص به اندازهٔ زیاد قوی
 بوده مقاومت فوق العاده از خودها نشان داده بودند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

